

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ع-شفق

۱۳ اپریل ۲۰۱۸

داستان "حزب چپ" و عضوگیری های جدید سازمان اکثریت

اعلام تشکیل یک تشکل جدید به نام "حزب چپ ایران (فدائیان خلق)" پس از یک کنگره سه روزه به نام کنگره وحدت در کشور المان، بار دیگر ماهیت ضد مردمی سازمان اکثریت را در مقابل چشم همگان قرار داد. نیروی اصلی برگزار کننده کنگره وحدت، سازمان اکثریتی ها موسوم به "سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت" بود که جریانی به اسم "کنشگران چپ" و "سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران" (طرفداران وحدت) هم در کنار آنها قرار داشتند. سترونی این کنگره به خصوص در آنجا خود را آشکار ساخت که کنگره تصمیم گیری حول اساسی ترین مبانی وحدت سیاسی- نظری حزب مذکور را به آینده موکول نمود- هر چند تشخیص مرزبندی ها و مواضع سیاسی به خصوص جریان شبه اکثریتی "سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران" با "سازمان مادر" یعنی اکثریت حتی پیش از پروسه وحدت و پیوستن رسمی شان به این سازمان هم به سختی امکان پذیر بود. (۱). از طرف دیگر نیروهای برگزار کننده کنگره وحدت به رغم آشکاری سترونی این کنگره هر یک کوشیدند تا امر حل شدن تشکیلاتی دو جریان در یک حزب اکثریت ساخته را وحدت "چپ ایران" جا بزنند. آنها در حالی که سازمان اکثریت ضمن جذب متحدین تازه، از انحلال تشکیلاتی خود با ادعای نیاز به "یک دوره گذار" سرباز زده (۲) سعی کردند ادغام جریانات شبه اکثریتی در سازمان رسوای اکثریت را یک "شروع تازه" (فرزانه عظیمی) که در سرنوشت چپ در ایران تأثیری تعیین کننده و ماندگار خواهد داشت (فرخ نگهدار)، "پاسخ به یک نیاز ملی" (بهزاد کریمی) "تلاش برای غلبه بر پراکندگی چپ" (پور رضا خلیق)، "رشد" چپی که "با دموکراسی بیگانه بوده" (مصطفی مدنی) ساختن یک "چپ قوی" (مریم تنگستانی) نامیده و میلاد ورشکسته این حزب ماهیتاً راست را با ادعاهای فریبکارانه دیگر از این قبیل مستتر سازند.

سخن پراکنی در باره مزایای این حزب سازی جدید زیر نام "وحدت چپ" تحت زعامت وارثان باند نگهدار- کشتگر (و البته در زیر نظارت خود این دو فرد) در شرایطی صورت می گیرد که که همگان می دانند که سازمان اکثریت در طول حیات سیاسی ننگینش جز گام برداشتن در راه منافع استثمارگران و سرمایه داران حاکم و علیه منافع کارگران و دیگر ستمدیدگان جامعه و منافع ملی و جز اتحاد با جمهوری اسلامی و دنباله روی از طبقه استثمارگر حاکم دغدغه ای نداشته است. تا جایی که در چنین مسیری حداقل در یک مقطع از حساس ترین دوران تاریخ حیات مبارزات مردم ما

علیه سرمایه داران خونخوار حاکم، تا آنجا پیش رفت که دستانش به خون کمونیستها و مبارزان چپ و آزادیخواه و ملی نیز آلوده گشت. حال، هر فعال سیاسی دلسوز توده ها می تواند از این حزب سازان اکثریتی بپرسد که در فقدان کمترین نقدی به گذشته ننگین سازندگان "حزب چپ" و عدم پاسخگویی به مردم ایران و به ویژه نسل جوان چپ و کمونیست چگونه می توان باور کرد که چنین اتحادی برای دادن پاسخ به یک "نیاز ملی" سازمان یافته است؟ واقعیت این است که چنین حزبی در میان مردم تشنه آزادی و به ویژه جوانان آگاه و مبارزی که این روزها با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "انقلاب جشن توده هاست" و "نان، کار، آزادی" و با رشادت هایشان در خیابانها و سیاهچالهای دشمن، زمین را در زیر پای جمهوری اسلامی و اربابانش به لرزه درآورده اند، نمی تواند کمترین مشروعیتی داشته باشد.

نگاهی به ترکیب کنگره وحدت این حزب نشان می دهد که علاوه بر نیروهای سازمان منحنی اکثریت و رهبران ظاهراً بازنشسته دیروز و امروزش، حزب جدید التأسيس در برگیرنده عده ای از سازشکاران بخت برگشته از میان راست ترین نیروهای به اصطلاح اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز می باشد که پس از انشعابها و شکستهای متعدد در سازمان فدائی تحت رهبری امثال نگهدارها و غیره و همچنین با مشاهده فروپاشی حکومت رویونیستها حاکم بر شوروی، از مدتها قبل به صف توابعان سوسیالیزم و خیانت کاران به چپ واقعی پیوسته و خود به دشمنان نقاب بر چهره زده چپ های واقعی کشور ما تبدیل شده بودند.

اما با همه این سابقه خیانت کارانه، دست اندرکاران حزب جدید همانند سابق اصرار دارند که خود را وارث سازمان پر افتخار چریکهای فدائی خلق ایران جا بزنند. آنها که در تمام طول حیات سیاسی شان کمترین قربانی با خطوط نظری و مواضع سیاسی چریکهای فدائی خلق ایران نداشتند ولی به هر شکلی با حفظ گوشه ای از آن نام پر افتخار کوشیده اند تا احترام و اعتبار و پایگاه اجتماعی و توده ئی چریک فدائی را دستمایه کسب و کار نامقدس خویش قرار دهند.

به شهادت تاریخ، از مشخصه های بارز هویت سیاسی چریکهای فدائی خلق این بود که این کمونیستها نه تنها در یک دوره تاریخی پیش از روی کار آمدن جمهوری اسلامی موفق شدند در نبرد با دشمن طبقاتی، چپ و کمونیسم را از زیر آوار تفکرات و سنتهای ضد انقلابی و خیانتهای حزب توده خارج کرده و برای آن اعتبار توده ئی کسب نمایند، بلکه پیروان صدیق سازمانی که آنها پایه گذاشتند، یعنی تشکل چریکهای فدائی خلق ایران در دوران جمهوری اسلامی نیز موفق شدند با مواضع و تحلیلها و پراتیک خویش (بیشک در حد توان خود)، پرچم چپ و کمونیسم را در مقابل رهبری منحنی سازمان غاصب نام فدائی یعنی باند نگهدار - کشتگر همچنان در اهتزاز نگه دارند. حزب سازان امروز اما به رغم آن که خود خوب می دانند آلودگی به تفکرات توده ئی در پوست و گوشت و خون آنها جریان دارد و هویت سیاسی شان چندین دهه است که در تضاد کامل با هویت فدائی قرار دارد اما از آنجا که آگاه هستند چریک فدائی خلق در ایران یک "جریان تاریخی" ست (بهرز خلیق) و با وجود گذشت چند دهه "هنوز طرفداران بسیاری دارد" (مریم تنگستانی)، فریبکارانه این "نام" را البته "در پرانتز" بر تابلوی دکان سیاسی جدید خویش نصب کرده اند. امری که این روزها مکرراً با سخره حتی نیروهائی که از سنتها و نحله های فکری غیر فدائی هم می آیند مواجه شده است.

اما مهمتر از ترکیب و نام حزب جدید اکثریت، پرچمی ست که این جریان برای معرفی مواضع و خطوط سیاسی خود به جامعه بلند کرده است. در این مورد باید به دو نکته توجه کرد. اول آن که جریانهای تشکیل دهنده حزب چپ اکثریت به قول گردانندگان کنگره، سالها در حال بحث و جدل حول اساسنامه و برنامه و منشور سیاسی مورد توافق و در مورد ستراتیژی سیاسی واحد خود بوده اند که البته در طی این مسیر دو انشعاب در میان نیروهای تشکیل دهنده "وحدت" اتفاق افتاده است. برای نمونه سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران درست به دلیل همین پروسه به دو بخش تقسیم شد و بخشی که در کنگره وحدت حضور داشت با نام طرفداران وحدت شناخته می شود؛ با این وجود و به رغم ارائه چند

منشور به کنگره کلن، کنگره وحدت و یا کنگره به اصطلاح مؤسس که قاعداً باید تولد یک جریان سیاسی جدید را با تائید ستراتیژی و تاکتیک های آن از طریق رأی اعضاء اعلام کند، به دلیل ادامه اختلافات نظری، تمامی این امور مهم را به آینده موکول کرد. یعنی حزب جدید ساخته شد بدون آن که حتی بتواند مبانی سیاسی-نظری خود را به مخاطبانش توضیح دهد.

"در کنگره روی اساسنامه و آئین نامه و ۴ منشور کار شد یک منشور پایه تهیه شد روی دو موضوع اختلاف نظر بود یک کمیسیون تشکیل شد برای کار روی آن دو مورد ولی وقت کنگره اجازه نداد و این به کنگره بعد محول شد" و "بخش سند سیاسی هم که قبل از کنگره تهیه شده بود وقت نبود رویش در کنگره کار شود بنابراین به اولین شورای مرکزی حزب چپ محول شد". (نقل از مصاحبه سایت ایران گلوبال با مریم تنگستانی عضو شورای مرکزی حزب چپ ایران (فدائیان خلق). البته جریان ضدمردمی اکثریت و شرکاء در این زمینه با کاری که صورت داده اند می توانند افتخار این سنت گذاری جدید را نیز به "افتخارات" گذشته خویش ببیزایند.

نکته دوم که در ارتباطی تنگاتنگ با نکته اول می باشد این است که فقدان وجود یک سند رسمی مصوبه کنگره اما به هیچ رو مانع از شناخت هویت و خط سیاسی حزب جدید نیست. رجوع به اظهارات و مصاحبه های اعضای شورای مرکزی حزب جدید و حامیان این وحدت به طور کاملاً آشکار نشان می دهند که حزب چپ اکثریت اگر چه به لحاظ تشکیلاتی تلاشی است برای دگر دیسی در شکل و پوشاندن یک لباس جدید به جریان منحن سازمان اکثریت از طریق جذب برخی شرکاء، اما به لحاظ سیاسی دارای همان نظرات غیر انقلابی و مواضع ضد مردمی است که در انقلاب ایران مشخصه اصلی جریان ضد انقلابی سازمان اکثریت را تشکیل می دهد.

حزب جدید به هیچ رو از ضرورت سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی که خواست قلبی دیرینه توده های تحت ستم ماست و در جریان خیزش دی ماه یکبار دیگر با بانگی صولتمند در سراسر کشور فریاد زده شد، سخن نمی گوید و به عکس، تمام قد علیه چنین خواستی می باشد. بنا به اعتراف فرخ رژیم نگهدار، از حامیان دو آتشه این حزب، در مرکزیت حزب چپ اکثریت ساخته، اصلاح طلبان حکومتی یعنی همان جلاخان دهه ۶۰ نیز پایگاه دارند. به گفته او "در ترکیب ۲۵ نفره شورای مرکزی حزب جدید کسانی حضور دارند که خود را اصلاح طلب می نامند و تقویت اصلاح طلبان در جمهوری اسلامی را نیز تحولی مثبت تلقی می کنند". فرخ رژیم نگهدار البته بنا به وظیفه همیشگی اش که حفظ رژیم ننگ و جنایت جمهوری اسلامی علیه توده های به جان آمده اساس آن است، به حزب جدید رهنمود می دهد و با اطمینان پیش بینی می کند که با توجه به شناختش از همزمان سابق "بعید است مقابله با اصلاح طلبان، یا تضعیف و انزوای آنان، به مشی غالب حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بدل شود." (در باره حزب چپ ایران فدائیان خلق). سایت عصر نو.

همچنین فرد اول منتخب در کنگره حزب چپ اکثریت، مریم تنگستانی، که بیشترین رأی را برای حضور در مرکزیت این جریان آورده در پاسخ به این که "مشخص نیست" حزب شما "سوسیال دمکرات" است یا چه نظرانی دارد؟ با قاطعیت و روشنی تأکید می کند که یک "سوسیال دمکرات" است که به "انقلاب قهری" و "دیکتاتوری پرولتاریا" اعتقادی ندارد. او در مورد وضعیت سیاسی ایران در مقابل این پرسش که "به جمهوری اسلامی چطور نگاه می کنید می خواهید جمهوری اسلامی رو سرنگون کنید؟" پاسخ می دهد که حزب مورد بحث از نظر او به هیچ وجه برای "سرنوشتی جمهوری اسلامی" مبارزه نخواهد کرد بلکه عامل "فشار" برای "به عقب نشاندن" جمهوری اسلامی ست. وی می گوید: "راه برون رفت از جمهوری اسلامی "گذار مسالمت آمیز" هستش من با جنگ و موافق نیستم و فکر نمی کنم "انقلاب" بتونه اینجا کاری بکنه. باید "گذار مسالمت آمیز صورت بگیره" و ادامه می دهد که "حزب

چپ" باید "در کنار دیگر نیروهای خواهان جمهوریت و دموکراسی و سکولاریزم" بنشینند و یک "تشکل بزرگی" را برای "فشار" به جمهوری اسلامی ایجاد کنند تا از این طریق رژیم را به "عقب برانند" و به شیوه "مسالمت آمیز از این جمهوری اسلامی گذر بکنند"

هر کنشگر سیاسی بی طرف و آگاه می داند که چپ واقعی و شایسته نامیده شدن به این صفت، حاصل یک روند تاریخی بوده و با انقلاب اجتماعی، قهر و مبارزه انقلابی علیه بورژوازی استثمارگر به منظور تحقق سوسیالیزم معنی می دهد. با این حال ممکن است گفته شود که اکثریت و شرکاء آزادند که با بی پرندسی هر نامی را به تشکل جدید خویش بدهند، اما تا آنجا که به افکار عمومی و به ویژه جوانان مبارز و آگاه داخل کشور باز می گردد باید گفت که نطفه حزب جدید با حمل نام چپ ولی کاملاً علیه چنین چپی بسته شده است. اگر مردم ما با دادن خونهای بسیار در طول ۴۰ سال گذشته با گوشت و پوست خود لمس کرده اند که برای رسیدن به آزادی نمی توان از جمهوری اسلامی جز از راه اعمال قهر سازمانیافته و توده نی گذر کرد، حزب جدیدالتأسیس از هم اکنون مقابل این مردم صف آرائی کرده است. این حزب اکثریت ساخته، رسماً اعلام می کند که خواهان وحدت و تقویت با یک بخش از رژیم یعنی جنایتکارانی است که زیر نام اصلاح طلب دستانشان تا مرفق به خون جوانان چپ و آزادیخواه مملکت ما آلوده است. خلاصه این که، حزب اکثریت به خاطر خط و ترکیب و برنامه و سیاستش زائده ای از حاکمیت سرکوبگر کنونی و در واقع جناحی از رژیم جمهوری اسلامی است. آنهم در شرایطی که مردم در خیابانها خواهان نابودی این رژیم دار و شکنجه می باشند.

واقعیت این است و این واقعیت را همگان در جریان خیزش دی ماه [جدی] ۹۶ با چشمان خود دیدند که جنبش توده ها در سطح اجتماعی و در کف خیابان با شعارهای روشن و اعمال انقلابی خود، بدون زیاده گوئی و تسلیم طلبی مدتهاست که از جناح های درونی جمهوری اسلامی گذر کرده است. بنابراین مردم ستمدیده در مبارزات آزادیخواهانه شان به چنین احزابی چه در حکومت و چه در خارج از آن چه با نام دروغین "چپ" و چه هر نام دیگری به عنوان موانع پیشروی خود خواهد نگرست.

با توجه به مطالب فوق تا آنجا که به وزن و قد و قواره و پتانسیل و مواضع اعلام شده توسط حزب جدید اکثریت و آنچه که این جریان برای جذب نیرو و مخاطبان خود ارائه می کند، باز می گردد؛ این حزب چیزی جز یک وسیله جدید در دست سازمان اکثریت برای تداوم سیاست های ضد خلقی خویش به نفع کلیت رژیم منقر جمهوری اسلامی نمی باشد.

جریان دست ساز اکثریت زیر نام "حزب چپ ایران (فدائیان خلق)" نه یک حزب واقعی ست، نه دارای کمترین قربانی با سیاست های چپ دارد. مضافاً آن که بر اساس ماهیتش فدائی ستیزی و مبارزه با ارزشهای مردمی، انقلابی و کمونیستی فدائی یکی از اهداف دیگر این حزب را تشکیل می دهد. حزب چپ اکثریت تلاشی برای یک دگر دیسی از سوی یک جریان منحط و ضد انقلابی یعنی اکثریت است که تا کنون نشان داده که زائده و دنباله رو طبقه حاکم که دشمن توده هاست، می باشد. حزب چپ اکثریت به دلیل ساختار نیرو، برنامه و خطوط سیاسی اعلام شده خویش جریانی بورژوائی ست که با پوشیدن لباسی جدید (لباس چپ) تلاش می ورزد مردم فریبی کرده و نقش حلقه رابط بین فریب خوردگان با بخشی از جلالدان اصلاح طلب حکومتی را ایفاء کند و ضمن بلند کردن پرچم سوسیال دموکراسی، با موعظه گذار مسالمت آمیز و تبلیغ مودیان اتحاد با جناحی از استثمارگران سرکوبگر یعنی اصلاح طلبان، از انقلاب اجتناب ناپذیر و قهری توده ها علیه نظام سرمایه داری که اکنون در جامعه با افت و خیز هائی جریان دارد جلوگیری کند. این نسخه جدیدی نیست و حزب دست ساز اکثریت در این مورد چیز جدیدی ارائه نمی دهد. با این وجود با توجه به شرایط بحرانی و انفجاری جامعه و تلاش های بی وقفه دشمنان مردم ما یعنی امپریالیستها و وابستگانشان به منظور آلترناتیو سازی و رواج ایده های ضد انقلابی در صفوف جنبش اعتراضی با هدف به انحراف بردن آن، حزب جدید

اکثریت می تواند ابزار تازه ای برای پیشبرد چنین خطوط ضد انقلابی باشد. به همین خاطر است که انواع و اقسام ضد انقلاب های کارکننده از حزب توده خائن گرفته تا امثال نگهدارها و کشتگرها و شرکای رنگارنگشان به دفاع تمام قد از موجودیت آن برخاسته اند. بی دلیل نبود که کنگره مؤسس با حضور و سخنرانی هیأت نمایندگی حزب توده پیش رفت. در نتیجه افشای ماهیت این حزب اکثریتی موسوم به "حزب چپ ایران (فدائیان خلق)" یک وظیفه انقلابی برای تمامی چپ های واقعی و کمونیستهای ست که از انقلاب اجتماعی برای رهایی توده های در زنجیر ما حمایت می کنند.

۲۰ فروردین [حمل] ۱۳۹۷

زیرنویس ها:

- (۱) بهزاد کریمی در مباحثات کنگره با افتخار تأیید می کند که در سالهای گذشته حتی برخی اعلامیه ها و قطعنامه های کنگره سازمان شبه اکثریتی اتحاد فدائیان خلق را خودش شخصاً نوشته است و تأکید می کند اتحاد کرده بودیم و حال آمده ایم تا اتحاد خود را اعلام کنیم.
- (۲) سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای انحلال تشکیلات خویش یک دوره گذار را در نظر گرفته است. دوره گذار بدین معنی است که این سازمان بعد از وحدت، همچنان به حیات خود ادامه خواهد داد و در کنگره بعدی خود نسبت به چگونگی حیاتش تصمیم خواهد گرفت.